هو الحاكم على ما يشاء قد كتب على كل مدينة بأن يجعلوا

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### من آثار حضرة بهاءالله – لئالئ الحكمة، المجلد 2، لوح رقم (13)، الصفحة 68 - 71

## هو الحاکم علی ما یشاء

قَد کُتِبَ عَلی کُلِّ مَدینَةٍ بِاَن یَجعَلُوا فِیها بَیتَ العَدْلِ وَ یَجتَمِعَ فِیهِ النُّفُوسُ عَلی عَدَدِ البَهاء ، وَ اِنِ اَزدادَ لا بَأسَ ، وَ یَرُونَ کَاَنِّهُم یَدخُلُونَ مَحضَرَ اللّهِ العَلیِّ الاَعلی وَ یَرُونَ مَن لا یُری ، وَ یَنبَغِی لَهُم اَن یَکُونُوا اُمَناءَ الرَّحمن بَینَ اَهلِ الاِمکانِ وَ وُکَلائَهُ لِمَن عَلی الاَرضِ کُلِّها ، وَ یَشاوِرُونَ فِی مَصالِحِ العِبادِ لِوَجهِ اللّهِ کَما یُشاوِرُونَ فِی اُمُورِهِم وَ یَختارُونَ ما هُوَ المُختارُ ، کَذلِکَ اَمرَ رَبَّکُم العَزیزُ الغَفّارُ ، جمال قدم مخاطباً لِلاُمَم میفرماید : در هر مدینه از مداین ارض باسم عدل بیتی بنا کنند ، و در آن بیت علی عدد اسم اعظم از نفوس زکیّهٴ مطمئنّه جمع شوند ، و باید آن نفوس حین حضور چنان ملاحظه کنند که بَینَ یَدَیِّ اللّهِ حاضر میشوند ، چه که این حکم محکم از قلم قدم جاری شده ، و لحاظ اللّه بآن مجمع متوجّه ، و بعد از ورود باید وِکالَةً مِن اَنفُسِ العِباد در امور و مصالح کل تکلّم نمایند ، مثلاً در تبلیغ امر اللّه اّوَلاً ، چه که این امر اهّم امور است تا کل کَنَفسٍ واحِدةٍ در سرادق اَحدیّه وارد شوند و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شوند و هم چنین در آداب نفوس و حف‌ظ ناموس و تعمیر بلاد و السِّیاسَةِ الَّتِی جَعَلَها اللّهُ أُسّاً لِلبِلادِ وَ حِرْزاً لِلعِبادِ ملاحظه کنند ، و تبلیغ امر اللّه نظر بحال اوقات و اعصار ملاحظه شود که چگونه مصلحت است ، و هم چنین سایر امور و آن را مجری دارند ، و لکن ملتفت بوده که مخالف آنچه در آیات الٓهی در این ظهور عّز صمدانی نازل شده نشود ، چه که حق جَلّ شَأنُهُ آنچه مقرّر فرموده همان مصلحت عباد است اِنَّهُ اَرحَمُ بِکُم مِنکُم اِنَّهُ لَهُوَ العَلیمُ الخَبِیرُ ، و اگر نفوس مذکوره بشرائط مقرّره عامل شوند البتّه بعنایات غیبیّه مؤیّد میشوند ، این امری است که خیرش بکل راجع میشود ، و بسیاری از امور است که اگر اعتنا نشود ضایع و باطل خواهد شد ، چه بسیار از اطفال که در ارض بی أب و اُمّ مشاهده میشوند ، اگر توجهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی ثمر خواهند ماند و نفس بی ثمر موتش ارجح از حیوة او بوده ، و هم چنین در اغنیاء و اعزّه که بعلّت ضعف و پیری یا امر آخر بفقر و ذلّت مبتلا شده‌اند ، باید در کلّ این امور و امورات دیگر که متعلّق بارض است این نفوس للّه تفکّر و تدبّر نمایند و آنچه صواب است اجرا دارند ، اگر عباد بطَرف فؤاد ناظر شوند یقین میدانند که آنچه از مصدر امر نازل شده محض خیر است از برای مَن علیَ الاَرضِ ، کلّ باید بمثابهٴ جناح باشند از برای یکدیگر ، فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور ، کل از تراب مخلوق و باو راجع ، ای اهل بها زینت انسان باسباب دنیا نبوده بلکه عرفان حق عَزَّ اِعزازُهُ و علوم و صنایع و آداب بوده و شما لئالی بحر احدیّه‌اید ، در لوء لوء ملاحظه کنید که صفا و عزّت او بنفس او بوده ، اگر او را در حریرهای بسیار لطیف بگذارند آن حریر مانع ظهورات طراوت و لطافت او خواهد شد ، زینت او بنفس او است ، کسب این زینت نمائید و از عدم اسباب ظاهره محزون مباشید ، ای اشجار رضوان خود را از اریاح ربیع الهیّه منع مکنید و از نفحات کلمات حکمیّهٴ ربّانیّه محروم ننمائید ، عنایت بمقامی است که مع غفلت کل و این بلیّهٴ کبری در سجن عکّا از قلم ابهی جاری فرموده آنچه را که خیر عباد او بوده اِنَّهُ هُوَ الغَفُورُ الرَّحیمُ .